

## باید در جریان مبارزات توده ها در هر شکل و سطحی قرار داشت و آنرا ارتقاء داد

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۸۲ - ۱۵ مهر ۱۳۸۸

### کهریزک. سهیل حکومت جمهوری اسلامی!

کنترل جامعه استفاده شده و قتل و جنایات زیادی از طرف دستگاه سرکوب حکومت در آن بوقوع پیوسته بود. اما وسعت جنایات هولناکی که بویژه در جریان رویدادهای پس از خیزش مردمی در این مرکز اتفاق افتاد نام کهریزک را به مثابه یکی از سمبلهای نظام کثیف جمهوری اسلامی هر چه بیشتر بر سرزبانها انداخت.

افشای شکنجه و تجاوز سیستماتیک به زندانیان و بویژه دستگیر شدگان وقایع اخیر، ضرب و شتم منتهی به مرگ قربانی، وادار کردن زندانی به "پارس" کردن مانند سگ برای دریافت آب آشامیدنی و غذا، ادرار بر روی زندانیان، تجاوز با باتوم و شیشه، لخت کردن زندانی و نمایش او در این حالت میان جمع، فقدان کمترین امکانات مورد نیاز طبیعی نظیر آب آشامیدنی سالم، غذا، هواخوری، استفاده از توالت و امکانات پزشکی (که همین مورد آخر به رواج بیماری شپش، نابینایی و مرگ انجامید)؛ تمامی این ددمنشی ها بر بستر خشم و نفرت وسیع توده ای باعث شد که پس از انتشار خبر مرگ چند زندانی سیاسی ، به دستور رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی دستور تعطیلی این بازداشتگاه صادر شود.

صفحه ۲

رسوایی ناشی از افشای گوشه ای از جنایات غیر قابل توصیف دژخیمان جمهوری اسلامی در بازداشتگاه کهریزک که سرانجام منجر به اعتراف فریبکارانه دستگاه های تبلیغاتی حکومت به "وجود شکنجه" در جمهوری اسلامی و ظاهراً تعطیلی این سیاهچال گشت ، نماد روشن دیگری از ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی را در میان مردم و همچنین افکار عمومی بین المللی به نمایش گذارد. البته سران فریبکار حکومت که امروزه بیش از هر زمان دیگری آماج کینه و نفرت مردم قرار دارند، کوشیدند تا با اعلام تعطیلی کهریزک به مثابه یکی از مراکز بیشمار شکنجه و وعده "مجازات" عاملین جنایات کهریزک دستان کثیف خود در این پرونده ننگین را به اصطلاح شسته و مثل همیشه جنایات سیستماتیک جاری در نظام خود را به مشتی افسر و مامور مزدور نسبت دهند. ترفندی که از همان ابتدا حتی با ریشخند مهره های درون خود نظام حاکم نیز روبرو شد. آش آنقدر شور بود که منتظری نیز (که در تمام دوران سالهای ۶۰ در سال هائی که جنایات جمهوری اسلامی در حق مردم و زندانیان سیاسی در همه جا با شدت و گستردگی جریان داشت به عنوان جانشین خمینی و در "مقام" ها و "مسئولیت"های دیگرش در جهت تحکیم پایه های جمهوری اسلامی جنایتکار کوشیده بود)، با تحقیر خامنه ای، این اقدام را "اعفال" مردم دانست و با ریشخند اضافه کرد که نمی توان با تعطیل این مرکز "گناه" را به "گردن" یک "ساختمان" انداخت!

بازداشتگاه کهریزک سالها قبل در زمانی که ریاست نیروهای انتظامی بر عهده قالیباف، یکی از مزدوران شناخته شده رژیم قرار داشت، ساخته شد. این سیاهچال قبل از این که در جریان سرکوب خیزش توده ای پس از انتخابات مورد استفاده قرار گیرد، از آن در مواردی چون سرکوب اعتراضات توده ها در جریان در تخریب محله خاک سفید و ویران کردن خانه زحمتکشان این منطقه بر سریشان و همچنین در زمان پیشبرد طرح ضد خلقی موسوم به جمع آوری "اراذل و اوپاش" و در واقع طرح تشدید

### گزارشی از شب همبستگی در لندن!

بناسبت بیست و یکمین سالگرد قتل عام هزاران تن از زندانیان سیاسی کمونیست و مبارز در دهه ۶۰ بدست رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، و در همبستگی با خیزش بزرگ توده ها بر علیه دیکتاتوری حاکم، روز شنبه ۲ اکتبر به ابتکار فعالین چریکهای فدایی خلق و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان مراسم بزرگداشتی در سالن کتابخانه ایزلینگتون شهر لندن برگزار شد که با استقبال ایرانیان مبارز مقیم لندن مواجه شد. سالن مراسم شب همبستگی با تصاویر متعددی از صحنه های خیزش قهرمانانه اخیر مردم بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، تصاویری از سرکوب و کشتار و شکنجه مردم و همچنین عکسهای جانباختگان این خیزش تزیین شده بود. شعارهای جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد نیز در چند جای سالن نصب شده بود.

برنامه شب همبستگی از چند قسمت تشکیل شده بود. در ابتدای برنامه و پس از دکلمه شعری که در گرامیداشت خاطره جانباختگان دهه ۶۰ و ستایش آرمانهای والای آنها سروده شده بود، جمعیت حاضر یک دقیقه به یاد تمامی کمونیستها و مبارزین جانباخته کف زد. سپس ناهید با صدای رسای خود قطعه کوتاهی را به یاد جانباختگان جنبش مردمی اجرا کرد. بعد سخنرانان به ارائه نظرات خود پرداختند. پس از تنفسی کوتاه یک اطلاعیه در بزرگداشت خاطره قربانیان قتل عام سال ۶۷ قرائت شد و سپس حسن جداری تعدادی از اشعار مبارزاتی خود را برای جمعیت حاضر قرائت نمود. در ادامه برنامه ناهید بار دیگر به هنرنمایی پرداخت و همراه با جمعیت سرود "سر اومد زمستون" را خواند و بالاخره یک ترانه زیبای افغانی بنام "من برای شکستن قفل ها آمده ام" توسط "ناله واسع" در انتهای برنامه اجرا شد که همگی مورد توجه شرکت کنندگان در این جلسه قرار گرفت.

بخش اصلی این برنامه به سخنرانی ۲ تن از زندانیان سیاسی سابق، رفقا محمد هُشی و شهاب شکوهی که از کشتار سیوعانه سال ۶۷ جان بدر برده اند اختصاص داشت که در پرتو تجارب خود در دوران اسارت بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ ، هر یک بحثی را در ارتباط با "بررسی نقش شکنجه و تجاوز در استمرار دیکتاتوری" مطرح کردند که مورد استقبال گرم حاضران در سالن قرار گرفت.

صفحه ۳



## کهریزک، سبیل حکومت... از صفحه ۱

از سوی دیگر وسعت جنایات هولناک و سیستماتیکی که در بازداشتگاه کهریزک بر علیه جوانان دلیر و مبارز ما صورت می گرفت که بالاخره گوشه ای از آن به خارج درز کرد، خشم و نفرت بی پایانی را بر علیه سران جمهوری اسلامی در میان مردم ستمدیده و بویژه خانواده های زندانیان سیاسی برانگیخت. انجام جنایات هولناک در کهریزک نشان داد که در جامعه تحت سلطه ایران هنگامی که پای کنترل این جامعه و سرکوب جنبش انقلابی کارگران و توده های ستمدیده بر علیه نظام جبار حاکم در میان باشد، دیکتاتوری حاکم دیوانه وار از اعمال هیچ گونه جنایتی به منظور حفظ این نظام و در بند نگاه داشتن توده ها خودداری نکرده و نخواهد کرد. بنا به گزارشات منتشره تنها تا شهریور سال ۱۳۸۶ مرگ ۱۳ نفر در اثر شرایط ظالمانه حاکم بر این بازداشتگاه گزارش شد و در طول چند هفته خیزش توده ای پس از انتخابات، مزدوران رژیم حداقل ۴ تن از جوانان دلاور اسیر در این سیاهچال را به قتل رساندند. چنین بود که نام کهریزک در رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در کنار نام زندانهای مخوفی نظیر گواتانامو، ابوغریب و بگرام ثبت شده و این رژیم به مثابه خدمت گزار منافع امپریالیسم (نه فقط در ایران) جنایات خویش بر علیه توده ها در این بازداشتگاه را نیز به کارنامه سیاه خود اضافه نمود.

**کهریزک، یکی از ضمایم ماشین سرکوب:** واقعیت این است که سیاهچال

واقعیت بوده اند که کهریزک و جنایات انجام شده در آن بخشی از یک سیاست کلیدی جمهوری اسلامی و جزء ذاتی ادامه حیات آن هستند. با توجه به این واقعیت، اعلام "تعطیل" و یا وعده "مجازات" مامورین دژخیم مزدور رژیم در این مرکز به هیچ رو نشانه پایان و یا حتی تخفیف جنایات هولناکی نیست که جمهوری اسلامی به طور روزمره در صدها سیاهچال بزرگ و کوچک، رسمی و غیر رسمی و علنی و غیر علنی خود بر علیه توده های مبارز ما مرتکب می گردد.

با تعطیل کهریزک و حتی نمایش مجازات چند عامل حقیق درجه ۲ و ۳، جنایت و شکنجه و تجاوز در جمهوری اسلامی نه پایان می یابد و نه تعطیل می شود. وجود سیاهچالهای مخوفی نظیر کهریزک ناشی از نیاز بنیادی طبقه حاکم یعنی سرمایه داران زالو صفت وابسته و رژیم ضد خلقی مدافع منافع آنان یعنی جمهوری اسلامی به حفظ و صیانت از نظام استثمارگرانه حاکم و منافع اقتصادی بیکرانی است که آنها از قیل چاپیدن و استثمار کارگران و توده های ستمدیده به جیبهای خود و اربابانشان سرازیر می کنند. نابودی شکنجه و زندان در درجه اول مستلزم نابودی عوامل و دلایل مادی وجود این پدیده هاست. بنابراین گام اول نابودی قطعی و محو شکنجه و زندان، از میان بردن شکنجه گران و زندانبانان کنونی و از آن مهمتر نابودی نظام ضد خلقی آنها در جریان یک انقلاب مردمی است.

کهریزک و جنایات جاری در آن نه یک استثناء در جمهوری اسلامی بلکه نمایانگر یک سیستم سازمان یافته و ضد خلقی سرکوب توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است. اگر ما به تاریخ روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و اعمال آن توجه کنیم می بینیم که این رژیم از بدو روی کار آمدنش توسط امپریالیستها، برای سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی-دمکراتیک توده ها کمر به بازسازی سریع و گسترش همه جانبه دستگاه سرکوب به ارث رسیده از زمان شاه و افزودن ضمایم هر چه بیشتر بر ماشین سرکوب حکومتی بست. علاوه بر "اسلامی کردن" و حفظ ارتش و ساواک و زندانهای مخوف موجود، رهبران جمهوری اسلامی ده ها نهاد دیگر سرکوب را زیر نامهای مختلف به مجموعه ماشین نظامی خود اضافه کرده و با تمام قدرت به امر سرکوب جنبش مردم پرداختند. ربودن فعالین سیاسی و انتقال آنها به شکنجه گاه های مخفی و غیر رسمی و خانه های امن و سپس کشتن و سریه نیست کردنشان توسط ساواکا و باندهای سیاه سازمان یافته توسط حکومت در سالهای اول پس از قیام، سرکوب و تجاوز و شکنجه و سرانجام قتل عام وحشیانه ده ها هزار تن از زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ در سیاهچالهای مختلف حکومت در سراسر کشور، جنایات سازمان یافته رژیم در کشتار ده ها تن از مخالفین و فعالین سیاسی در دوره خاتمی که به قتلهای زنجیره ای معروف گشت و سرانجام به "واجبی" خوردن و مرگ سعید اسلامی منجر شد، همه و همه نمایانگر این

## ۱۸ دختر و زن پاکستانی هنگام دریافت آرد مجانی زیر دست و پا کشته شدند!

طبق گفته مقامات کراچی (پاکستان) هنگام توزیع آرد مجانی در یک ساختمان با راهرو های باریک در یکی از محله های فقیر نشین جنوب کراچی، وقتی که جمعیت منتظر به دلیل بد رفتاری ماموران ساختمان با سراسیمگی و آشوب به عقب رانده شدند، حداقل ۱۸ زن و دختر جوان زیر دست و پا کشته شدند. این زیر دست و پا له شدن در ماه رمضان اتفاق افتاده است. ماهی که در آن به طور سنتی کار های خیریه از قبیل پخش غذای رایگان صورت می گیرد تا هم "مسلمانان" که از قبل استثمار دیگران به ثروتی دست یافته با باج دادن به خدا و امکان خودنمایی با به اصطلاح وجدانی آسوده به کسب و کار خویش ادامه دهد و هم انسان های گرسنه و استثمار شده دست به دعا به طرف خدا بردارند!

بنا به اظهار شاهدان عینی، دوشنبه ۱۴ سپتامبر در راهرو های باریک یک ساختمان چند طبقه، وقتی که جمعیت زیادی وارد ساختمان شدند تا بتوانند آرد مجانی دریافت کنند مستحفظین ساختمان با بکار بردن تاکتیک های خشونت بار به تخلیه ساختمان پرداختند که باعث لگد کوبی تا سر حد مرگ آن ۱۸ نفر شد. واسیم احمد - رئیس پلیس کراچی با تأیید خبر فوق گفت حداقل ۱۸ زن و دختر به دنبال عقب نشاندن جمعیت، زیر دست و پا مردند. محمد امین خان - سخنگوی بیمارستان دولتی کراچی نیز اظهار داشت که بعضی از زنان خفه شده بودند و دست کم ۲۰ جسد به بیمارستان آورده شده بودند. در این میان کثوم سی ساله که در این ماجرا زخمی شده اما جان سالم بدر برده بود گفت: "صدها نفر زن همدیگر را فشار میدادند تا وارد راهرو های باریک بشوند. از آن طرف نگهبانان با ضرب و شتم به خالی کردن ساختمان پرداختند. من بر زمین افتادم و جمعیت بر روی بدن من پا میگذاشتند. اصلاً نمیتوانستم نفس بکشم. قلبم به شدت درد گرفته بود. فکر کردم که مرگم حتمی است." واسیم احمد - رئیس پلیس کراچی گفت: "توزیع آرد مجانی توسط یک شخص خیر سازمان داده شده بود ولی چون او این موضوع را قبل از این رویداد به پلیس اطلاع نداده بود، بازداشت شده است." در این خبر آمده است که بستگان مجروحین، بدن های بی حس و یا بی جان مصدومین را پشت کامیون یا بر سر دست حمل کرده و به بیمارستان سرازیر می شدند. این درحالی بود که بعضی از زنان در حالت خوابیده بر روی برانکار شیون کشیده و گریه و زاری می کردند.

اصل مطلب در این زمینه اعتراف یکی از مسئولین دولتی به نام حنیف جاوید می باشد وی در این مورد گفت: "فقر در حال افزایش است، نومییدی در بین مردم وجود دارد. زمانی که افراد گرسنه و نا امید هستند، هر وقت آن ها فرصتی می یابند، این طبیعی است که حداکثر کوشش خود را میکنند تا شکم خود را سیر کنند."



نمی خواهند که کوچکترین گزندى به این نظام و رژیم حافظ اش، جمهوری اسلامی، وارد شود.

بخش دیگری از برنامه شب همبستگی در لندن به پرسش و پاسخ و بحث آزاد از سوی حاضرین اختصاص یافته بود. در این قسمت از برنامه نیز شماری از شرکت کنندگان نظرات خود در مورد نقش اسلام در توجیه سرکوب مبارزات مردم، زمینه های اقتصادی سرکوب، جرایب شدن و وسعت تجاوز به زنان و بالاخره ماهیت سیستم و نظامی که شکنجه را ایجاب می کند با جمع و با سخنرانان در میان گذاشته و سوالانی را نیز مطرح کردند. یکی از سوالهای شرکت کنندگان در این قسمت به مساله امکان "تحول" و "دگرگونی" در افکار و مواضع برخی از کارگزاران حکومت و این که بالاخره امکان دارد "موسوی" و همفکرانش نیز "تغییر" کرده باشند بازمی گشت. در این مورد نیز در پاسخهای ارائه شده توسط سخنرانان مطرح شد که مردم باید از هر تغییر واقعی ای و نه ادعایی در مواضع چنین افرادی استقبال کنند اما با توجه به اظهارات و عملکردهای تاکنونی خود موسوی و جناحش، و یا حتی ادعاهای افراد دیگری نظیر گنجی و سازگارا و ... که تا دیرزمانی خادم صادق و کارگزار دستگاه کشتار و شکنجه حاکم بوده اند کوچکترین نشانه عملی ای از این تغییر مواضع به چشم نمی خورد و بطور مثال این افراد تا کنون حتی حاضر نشده اند که در مورد جنایات زمان خود و ابعاد و نقیشتان در آنها یک کلمه با مردم و بویژه هزاران تن از خانواده های اعدام شدگان و زندانیان سیاسی در میان گذاشته و حداقل معذرت خواهی کنند. امری که نشاندهنده عدم وجود کوچکترین عنصر صداقت در ادعاها و تبلیغات کنونی آنهاست.

بطور کلی در جریان بحثهای سیاسی مطرح شده در قسمت اصلی برنامه شب همبستگی، این واقعیت مبارزاتی که جمهوری اسلامی با تمام جناح های تشکیل دهنده ارتجاعیش دشمن اصلی مردم ماست و سرنگونی آن شرط حداقل برای دستیابی به یک نظام عادلانه، دموکراتیک و مردمی و عاری از شکنجه و دیکتاتوری ست با استناد به تجارب عینی زندگی و بویژه تجربه زندانیان سیاسی در ایران مورد تاکید قرار گرفت.

در این بحثها به زوایای مختلفی از مساله فوق پرداخته شد. یکی از نکات محوری بحثهای ارائه شده، یادآوری نقش مهره های جنایتکار و جناح های ضد خلقی ای از هیات حاکمه (نظیر موسوی، کروبی، رفسنجانی و خاتمی) در قتل عام نسلی از بهترین فرزندان انقلابی و مبارز خلقهای تحت ستم در دهه ۶۰ بود که امروزه فریبکارانه در نقش منجی و طرفدار مردم تحت ستم وارد صحنه شده و در صددند تا انرژی جنیش مبارزاتی توده های بیا خاسته و بویژه جوانان را در چارچوب اختلافات جناح های هیئت حاکمه نظام استثمارگرانه حاکم به هرز برده و نظام تبهکار جمهوری اسلامی را همچنان حفظ و صیانت کنند. در بخش دیگری از بحثهای ارائه شده تاکید شد که برخلاف تبلیغات فریبکارانه جاری، مساله شکنجه و تجاوز نه یک رفتار اعمال شده و منحصر بفرد دولت احمدی نژاد مزدور بلکه جزء لاینجزای حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی از اولین روزهای روی کار آمدنش و به خصوص در دوران زمامداری دارو دسته موسوی فریبکار در ایران بوده که با هدف سرکوب نهضت آزادیخواهانه مردم ایران و حفظ نظام سرمایه داری حاکم صورت پذیرفته و اتفاقا در دهه ۶۰ و در زمان اوج یابی مبارزات مردم و سازمانهای انقلابی، جهت سرکوب این مبارزات، شکنجه و تجاوز در هر جا که نیاز طبقه حاکم بوده به وحشیانه ترین و وحشی بر علیه مبارزین و انقلابیون در درون سیاه چالهای رژیم بکار گرفته شده است.

در جریان بحثهای جلسه، سخنرانان با ارائه فاکتهای روشن و مستدل نشان دادند که به دلیل نیاز نظام و طبقه استثمارگر حاکم برای بقای خویش و تداوم سرکوب توده هاست که گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی کوشیده اند تا شکنجه را تحت عنوان تعزیر قانونیت بخشند. تاکید بحثها بر این بود که برغم تبلیغات فریبکارانه وسیع جاری در مورد شدت اختلافات بین دارو دسته های حاکم، گر چه این اختلافات یک امر واقعی و عینی بوده ولی تا آنجا که به مساله حفاظت از نظام سرمایه داری حاکم باز میگردد، همه جناحهای ارتجاعی این رژیم از رهبر و احمدی نژاد گرفته تا موسوی و باصطلاح اصلاح طلبان موضع واحدی داشته و

## در حاشیه تظاهرات... از صفحه ۴

تبلیغات دروغین چنین جلوه می دهد که مثل اینکه می شود بین کسانی که رسیدن به آزادی و برقراری دموکراسی را تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی امکان پذیر می دانند با کسانی که این گمان را تبلیغ می کنند که گویا با عوض شدن رئیس جمهور و جلوس موسوی و یا حتی مهره ای گمنام و ناشناخته از خود این رژیم به مقام ریاست جمهوری، مردم ما به مطالبات خود دست خواهند یافت و جهنم جمهوری اسلامی به بهشت تبدیل خواهد شد، "اتفاق نظر" بر فرار شود، اینان در گذشته با تبلیغ "همه با هم" در اغفال و گمراهی مردم می کوشیدند و امروز با شعار ظاهراً قشنگ "رنگین کمان" به این کار دست می زنند.

شکی نیست که اینان با در آمیختن صف نیروهای رنگارنگ دشمن با نیروهای مردمی نه به مردم و رهائی آنان بلکه به تضعیف نیروهای مردمی می پردازند. در تظاهرات مذکور کمونیست هائی شرکت داشتند که بر نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته تاکید داشته و بنرهای چریکهای فدائی خلق با همین شعار را به نمایش گذاشته بودند. آیا این مبارزین مثلاً با نیروهای ضد خلقی نظیر سلطنت طلبان یا طرفداران موسوی و کروبی به یک منظور و هدف در آن تظاهرات شرکت داشتند که صدای امریکا ظاهراً با "وحدت طلبی" از آن دم می زند؟ آیا می توان انتظار داشت که طرفداران شرمگین جمهوری اسلامی "نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر" حتی قادر به تحمل آن پرچم شکوهمند و "اتفاق نظر" با برنامه انقلابی مورد نظر کمونیست ها باشند؟

اما تا جایی که به کیهان شریعتمداری مربوط می شود واقعیت این است که لجن پراکنی های دستگاه تبلیغاتی دیکتاتوری حاکم بر ایران بر علیه تظاهرات نیویورک انعکاسی از خشم آنها به خاطر موفقیت این حرکت بود. حرکتی که یک بار دیگر نشان داد که نیرو های انقلابی و مترقی به رغم امکانات محدودی که در اختیار دارند می توانند نقش بسیار مهم و روشنگرانه ای در مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ایفا کنند .

**زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!**



## در حاشیه تظاهرات بر علیه احمدی نژاد در نیویورک!

مهمتر از آن اینکه بر کسی پوشیده نیست که از نظر کمونیستها سلطنت طلبان مدافع همان نظام ظالمانه سرمایه داری ای می باشند که هم اکنون جمهوری اسلامی حفاظت از آن را بر عهده گرفته و اصلاح طلبان حکومتی به هزار حيله در جهت نجات آن از زیر ضربات جنبش توده ای و حفظ اش می کوشند. دستگاه دروغ پردازی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از آنجا که محل تظاهرات بر علیه احمدی نژاد محوطه مقابل ساختمان سازمان ملل بود از این واقعیت جهت هم صف نشان دادن و مخدوش نمودن صفوف نیروهای انقلابی در اپوزیسیون با نیرو های ضد انقلابی سوءاستفاده نموده است. واقعیت این بود که پلیس نیویورک برای کنترل هر چه بیشتر تظاهر کنندگان این محل را از روز قبل با نصب نرده های آهنی از بقیه خیابانها جدا کرده و نیروهای هر یک از گروه های گوناگون اپوزیسیون مجبور شده بودند که در قسمت های مختلف این محوطه جمع شوند. در نتیجه در شرایطی که هر یک از نیروهای شرکت کننده با حفظ استقلال خود و شعار ها و بنرهای خود در یک قسمت از محل اختصاص داده شده توسط پلیس، مستقر شده بودند و هر یک با بلندگوهای خود شعارهایشان را بر علیه رژیم فریاد می زدند. این امر باعث شد که نه فقط کیهان بلکه اربابش صدای امریکا نیز امکان یابند که تجمع نیروهای گوناگون اپوزیسیون رژیم را فریبکارانه بیانگر "همکاری" بین آن نیروهای رنگارنگ جلوه دهند. با مرور گزارش صدای امریکا از تظاهرات مورد بحث در نیویورک نیز می توان دید که آنها نیز این طور جلوه داده اند که مثل اینکه در آن تظاهرات بین نیروهای مختلف اپوزیسیون "اتفاق نظر" وجود داشته یا حاصل شده بود. **صدای امریکا در ۲۴ سپتامبر در گزارش اش از این حرکت نوشت: "گروهی با در دست داشتن پرچم سرخ حزب کمونیست کارگری در کنار طرفداران چریک های فدایی خلق، کمی آن طرف تر عده ای با در دست داشتن عکس های شاهزاده رضا پهلوی، و عده ای با سر دادن شعار «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» همه و همه برای یک منظور بدور هم جمع شده بودند و آنها هم شرکت در حرکت عمومی مردم ایران است برای احقاق حقوق مدنی خود و بیرون آمدن از سایه ترس و سرکوب های بی حد و حساب و شرم آور. در این نکته همه ایرانیان هم آرزو و هم سرنوشتند. مهمتر اینکه اکنون به نظر می رسد همگی بر سر این نکته اتفاق نظر دارند"**

اما بر خلاف این القائات واقعیت این است که در این حرکت در عمل هیچ گونه همکاری و اتحاد عملی بین نیرو های ناهمگون اپوزیسیون وجود نداشت و همه نیروهای مترقی و چپ با شعار ها و پوستر های مبارزاتی خود بدون هیچ برنامه مشترک قبلی با بقیه نیروهای اپوزیسیون، در بخش ورودی محل تجمع مستقر شده بودند.

در صفحه ۲

در اعتراض به حضور احمدی نژاد رئیس جمهور منفور جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل و در حمایت از مبارزات دلبرانه مردم ایران که در زیر سبوعانه ترین سرکوبها هرگز صدای اعتراضشان خاموش نگشته است، همانطور که می دانیم اخیرا هزاران نفر در مقابل ساختمان سازمان ملل در نیویورک دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات و تجمع هزاران نفری آن چنان خشم سردمداران دیکتاتوری حاکم را برانگیخت که مجبور شدند سگ "همیشه در صحنه" خود یعنی کیهان شریعت مداری را به جلو کیش دهند تا این روزنامه معلوم الحال با لجن پراکنی بر علیه ایرانیان خارج از کشور و بی اهمیت جلوه دادن اعتراضات و مبارزات آنها کمی "ذوب شدگان در ولایت" را آرامش داده و به مزدورانی که هر روز ضربه جدیدی از مردم مبارز ایران دریافت می کنند روحیه دهد.

کیهان شریعتمداری، این کهنه بازجوی سپاهچالهای جمهوری دار و شکنجه، در اولین گام در گزارشی که در ۵ مهر ماه درج نمود تجمع اعتراضی چند هزار نفره مزبور را "تجمع چند ده نفره" ضد انقلاب "قلمداد نموده و سپس بیشرمانه این تجمع افشاگرانه موفقیت آمیز را حرکتی که با "ناکامی مطلق" مواجه شده اعلام نمود. این دروغ گوئی آشکار در شرایطی است که به گزارش خبرگزاریها ی مختلف در آن تظاهرات که در تاریخ ۲۴ سپتامبر (۲ مهر) برپا شد بین ۵ تا ۸ هزار نفر شرکت داشته اند که این رقم در دروغ پردازیهای کیهان و دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی به "چند ده نفر" که بر علیه دیکتاتوری حاکم بر ایران دست به تظاهرات زدند، تقلیل یافته است.

**کیهان در ادامه لجن پراکنی هایش مدعی شده که در این تجمع "سبزها، چریک های فدایی خلق، مجاهدین منافقین) و سلطنت طلبان حضور داشتند" و "شعارهایی چون "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" سر" دادند. به این ترتیب دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی می کوشد نیروهای سیاسی ماهیتا متفاوتی را که در اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار داشته اما هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند را در یک صف قرار داده و با تنزل شعارهای رزمنده مبارزاتی ای که در این حرکت فریاد زده شد، چهره نیروهای مترقی و انقلابی مخالف خود را مخدوش سازد. واقعیت این است که از میان اپوزیسیون رژیم طیف های گوناگونی در این اعتراض شرکت داشتند که بعضاً هیچ گونه همگونی هم بین شان وجود ندارد. برای نمونه بین کمونیستها که با صف مستقل خود بر علیه احمدی نژاد تظاهرات نمودند با سلطنت طلبان که آنها نیز در قسمتی از محوطه مقابل محل سازمان ملل حضور داشتند نه تنها هیچ اشتراک و همکاری ای وجود نداشت بلکه آنها در دشمنی آشندی ناپذیر فی مابین خود نیزهیچگاه تردید نشان نداده اند.**

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

[ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیسم!

